

اوستا و زردشت

مقاله‌ای مستدل و محققانه، محتوی اطلاعات جالبی که تاکنون در محیط ما انتشار نیافته، و دوران هر گونه تعصب است

است.

در اوایل قرن هفتم میلادی، اسلام ظهور کرد و بسا طلوع خورشید اسلام، بسیاری از ملل و اقوام، آیین اسلام را پذیرفته و مسلمان شدند. از جمله این ملل و کشورها، ملت ایران و سرزمین کهن ما بود که مسلمان شد و یکی از بزرگترین و وفادارترین پیروان این آیین گردید و قدر گوهر اسلام و آیین نوین را به درستی شناخت.

طبیعی است که عده‌ی از مردم ایران به علل و عناوین گوناگون؛ اسلام را پذیرا نشدند و به کیش‌های قدیم پایدار و وفادار ماندند، البته تاریخ کاملاً نشان می‌دهد که این اقلیت وفادار و سست‌پرست، به موجب اصطکاک منافع، اسلام را نپذیرفتند. آیین نوین مبشر مساوات در حقوق و برابری و برادری بود. به شدت با سرمایه‌داری غلط مبارزه می‌کرد. آیین‌های طرفدار نظام طبقاتی را مردود می‌شمرد. با استثمار افراد انسانی و نظام بردگی مخالف

امروز در محیط ما اقلیتی زندگی می‌کنند که به نام «زردشتی» خوانده می‌شوند. اینان هم وطنان ما هستند که از قدیم الایام به کیش و آیین باستانی ایران وفادار مانده و به شرایع آن عمل کرده و به اصول آن معتقد هستند.

شمار این اقلیت در سراسر ایران شاید در حدود بیست و هفت هزار نفر و احتمالاً اندکی بیش از آن است. البته مرکز نقل زرتشتیان از لحاظ نفوس و نفوس در هنداست که هم اکنون در آن سامان در حدود یکصد هزار نفر زندگی می‌کنند. آنها معتقد به نبوت زرتشت می‌باشند که کتاب **اوستا** از اوست یا بهتر بگوئیم؛ کتاب اوستا را از او میدانند. بنابراین روایات و اخبار خودشان، زرتشت در قرن ششم پیش از میلاد مسیح، در شرق یا در غرب ایران تولد یافته و در سی سالگی از جانب خداوند (**اهورا مزدا**) به سمت پیغمبری برگزیده شده و آیین خود را در ایران آن عصر انتشار داد.

آن که در اروپا، در سده هیجدهم میلادی نهضت خاورشناسی اوج گرفت. مردی به نام **انکتیل دوپرون Anquetil duperron** از فرانسه به هند رفت و با زحمت فراوان زبان و خط اوستا و پهلوی را آموخت و کتب مذهبی زرتشتیان را گردآوری کرد و به فرانسه بازگشته در حدود دوست سال پیش نخستین ترجمه اوستا را در سه جلد بزرگ به فرانسه منتشر کرد.

پس از آن اوستا شناسی رشته‌یی به شمار آمد و محققان و منتظمانی بزرگ در این راه کار کردند و تحقیق نمودند، و ترجمه‌هایی محققانه از کتب زرتشتی در جهان در دسترس قرار گرفت. در هندی نیز کم کم این گروه کهن از خوابی دراز بیدار شده و جانی تازه یافتند و خود شروع به کاوش و تحقیق و ترجمه کردند.

در این زمان است که پس از گذشت بیش از یک قرن از کار «انکتیل دوپرون» و ترجمه‌های مستند و خوب از کتب زرتشتی، زرتشتیان هند که تازه واقف به مطالب اوستا و نکوهیدگی مراسم و شرایع آن شده بودند؛ زمزمه کردند که این ترجمه‌ها نادرست و مغرضانه است و بایستی چنین و چنان باشد. پس مکتب خاصی برای خود به وجود آوردند که در واقع مکتب توجیه و تفسیر عیوب و نکات فراوان زنده اوستایی و جنبه‌های غیر عقلانی و غیر اخلاقی آن بود.

آنگاه این مکتب به سوی ایران گسترش و تعمیم یافت. در حدود نیم قرن پیش، ثروتمندان زرتشتی هند، آقای پورداود رازی را نظر موبدان زرتشتی به

بود و ...

اما اشراف، نظامیان، ملاکان و فوئدال‌ها؛ موبدان و روحانیون ایران عصر ساسانی که ملاحظه می‌کردند همه بناها و شالوده‌هایشان در اشرافیت رو به انهدام است، مسلماً پیرو چنین آیینی نمی‌شدند و بر همان نظام پیشین باقی می‌ماندند تا منافشان حفظ شود.

اینان پس از اسلام به دو گروه تقسیم شدند: عده‌یی مهاجرت کردند و اکثر آنها به هندوستان رفتند. دسته‌یی دیگر در ایران باقی ماندند و جزیه دادند و در حمایت اسلام زندگی کردند.

بعداً مادر باره این مسایل به جای خود مفصل و مشروح صحبت خواهیم کرد و همه جا از اسناد معتبر تاریخی کمک خواهیم گرفت.

خلاصه زرتشتیان امروز ایران و هند. بازمانده آن دسته از زرتشتیان مهاجر ایران پس از اسلام می‌باشند. کتاب‌های دینی خود را نگاه داشتند. آیین و رسوم خویش را حفظ کردند و با تعصب و سخت‌کوشی، آن شرایع و سنن و رسوم و کتب را تا به امروز نگاهداری نمودند. اما این آداب و رسوم و زبان و سنن و فرهنگ و خط، به موجب استغراب و شگفتی‌ها و جنبه‌های ناپاور و افسانه مانند و خداشناسی غیر قابل قبولی که داشت کم کم فراموش و متروک شد، حتی برای خود پیروان آن آیین.

پیروان طوطی‌وار، آیات منتهی را بجا و نابجا می‌خواندند. بیش از چند نفری از راز و رمز خواندن و خط اوستا آگاهی نداشتند، تا

مقالات علمی و مستند و مستدل و دوزان تصب بحث و تحقیق دربارهٔ «زرتشت، اوستا؛ و آئین زرتشی»، را در بر دارد اقدام کنیم؛ که این مباحث صرفاً بر اساس تحقیق و استدلال و اسناد متکی می‌باشد. به قول بزرگترین علمای این فن اسناد می‌شود. موارد استناد اغلب از خود اوستا به دست داده خواهد شد.

از خوانندگان عزیز، درخواست و تمنا می‌شود که با دقت مطالب را مطالعه نمایند. بکشند تا حقیقت را دریابند. ما خواهان اشاعهٔ حق و حقیقت هستیم. هر گاه هموطنان زرتشتی ما لغزشی در کارها ملاحظه کردند متذکر گردند و اگر مقالاتی در پاسخ داشتند که دور از تصب و بر پایهٔ تحقیق و اسناد استوار بود برای ما ارسال دارند. عصر ما، عصر ترقی و تمالی فکری بشر است. راه هر انسان بالغ بایستی انتخاب اصلح باشد. همهٔ مردمی که اهل مطالعه و تحقیق و دریافت حقیقت و راستی هستند، دانش پژوهانی که در دانشگاهها سرگرم کسب دانش هستند بخوانند و داوری کنند و خود حقیقت را دریابند. در فصول مهمی از این تحقیقات، ما آیین زرتشتی و زرتشت را از روی اوستا و با استناد به عبارات اوستا خواهیم شناخت آنهم اوستایی که مورد قبول خود زرتشتیان باشد.

* * *

مطالبی که طی بحث‌های آینده، تدریجاً بدانها خواهیم پرداخت، عبارتند از:
 ۱ - اوستا چگونه کتابی است؟ تاریخ اوستا.
 زبان و خط اوستا. قسمت‌های مختلف اوستا.

ترجمهٔ اوستا مأمور کردند که این داستانی دراز دارد و به جای خود همراه با اسناد و مدارک ارائه خواهد شد.

پس ترجمه‌های فارسی اوستا که این چنین در هند و زیر نظر و پناهینهٔ زرتشتیان هند فراهم شده بود، به ایران آمد و مدتی بعد آقای پورداوود مترجم اوستا به عنوان تدریس زبان و فرهنگ ایران قدیم، در دانشگاه تهران مشغول کار شد.

جنبش و نهضتی میان زرتشتیان ایران در گرفت و به تقویت این هدف پرداختند که در سایهٔ چنین عواملی، به تبلیغ پردازند. کم‌کم قسمت اعظم ترجمهٔ اوستا به فارسی فراهم گشت. اما این ترجمه‌ی درست و مطابق با اصل و متن نبود و دستخوردگی‌های فراوان داشت.

همین ترجمه‌ها در دانشگاه مورد تدریس قرار گرفت و زرتشتیان در طی سی سالهٔ اخیر در هند و ایران با انتشار مجلات و کتب و رسالات، راه حقیقت جوئی و دریافت و اقامت دین ایران قدیم را به روی توده مردم و به ویژه دانشجویان ما بستند.

* * *

با کمال تأسف از طرف دانشمندان علوم اسلامی در این زمینه سکوت شد و جامعهٔ اسلامی در صدد بر نیامد تا خود به تحقیقات و تبیینات بپردازد. اما در گوشه و کنار فریاد عده‌ی از دانشمندان بلند شده که به این تبلیغات نادرستی که اذهان جوانان ما را از راه درست منحرف می‌کرد بر ملا نمود. اما این صداها بسیار زود خاموش شد. ما بر خود فرض و واجب میدانیم که در یک سلسله

به هیچ شکلی از اشکال توصیف و تعبیر نمی‌شود. زمان و مکان و ماده در توصیف و شناختش، کلماتی بی‌معنی می‌باشد.

این جمله اخیر در الهیات اسلامی هیچ گاه مبنایی برای شعر و شاعری و تمثیلات به وجود نیاورد.

این توضیح برای آن بود تا پایه و بن یک آیین و زیربنای آن قابل شناخت و در حدی وسیع قابل مقایسه باشد. شرق شناسان بزرگ اروپایی که برای نخستین بار با کار توان فرسا و از خود گذشتگی تا پای جان، راز و رمز اوستا و خط و زبان آن را گشوده و ترجمه کردند؛ این آیین را مبنی بر توحید ندانستند. در جهان تاپیش از ترجمه اوستا، توحید مطلق مترادف بود با آیین اسلام. اما پس از دوران نخست ترجمه‌های اوستا، تا یکصد و اندی سال پیش، زرتشتیان هند و پس از آن ایران، خواستند از این ویژگی اسلام سود جویند و خود را نخستین پیروان یکتاپرستی در جهان معرفی کنند. از این جا بود که دستبردهای ناشیانه‌یی در ترجمه اوستا زدند و به تعبیراتی دور از عقل اقدام کردند. اما هر چند تا اندازه‌یی در جریان اشاعه حقیقت سد ساختند، لکن موفق نبودند چنانکه خواهیم دید. کارهایشان اغلب با نقادی و خرده گیری روبرو نمی‌شد، چون محصلان زبان و خط اوستا بسیار اندک بودند و همان اندک نیز پس از تحصیل، شور و شوقی نشان نداده و کناره می‌گرفتند. اما راه استفاده برای طالبان درک حقیقت آیین زرتشتی باز بود و می‌توانستند در صورت احاطه به یکی از زبانهای اروپایی، به ترجمه های کتب مذهبی زردشتی آگاهی یابند

خدا شناسی در اوستا. شرایع و فقه اوستایی. قربانی و آیین‌های دینی پرستش از باب انواع.. خدایان بزرگ و کوچک. ازدواج و شبکه‌های ازدواج با محارم، و بسیاری از مطالب دیگر.

۲- زرتشت کیست؟ آیا وی یک پیغمبر است؟ چرا در قرآن از وی به عنوان یک پیامبر یاد نشده. آیا زردشت موجودیت تاریخی دارد. آیا شخصیتی افسانه‌یی است و...

۳- آیین زردشت در عصر ساسانیان عصر انحطاط بزرگ. طلوع آیین اسلام. غروب و افول آیین زردشتی. علل سقوط ساسانیان.

۴- آیین زرتشتی پس از اسلام. علل شکست آیین زرتشتی و دیگر آیین‌های ایرانی در برابر آیین اسلام. زرتشتیان در زیر لوای اسلام. ایران اسلامی. کتب و رسالات زردشتی در عصر ساسانی و پس از اسلام.

خداشناسی در اوستا

اساس و بنیان هر دین و آیینی، به معنی اخص کلمه، در خداشناسی و الوهیت آن آیین مستقر و پنهان است. در اسلام: برای مثال، بایستی گفت که شکل نهایی ربوبیت و خدایی از لحاظ مفاهیم مجرد، در یک قالب مستحکم و استوار توحید بیان شده است.

در توضیح عبارت فوق باید گفت که شناخت خداوند با حواس شناخته شده آدمی و با معیارهای مادی و عبارات توجیه کننده نظامات خانوادگی و مادی و حتی معنوی انسانی قابل شناخت نیست. موجودیت وی تابع نظامات خانوادگی در تشکیلات آدمی نمی‌شود. یعنی قائم با لذات است وجودش

این هفده فصل را **Gatha** می خوانند. از لحاظ مفهوم و معنی، نسبت به سایر قسمت های اوستایی پاک تر است و در مجردات و مفاهیم اخلاقی و الاهیات و به اصطلاح منویات گفت و گومی کند. زردشتیان از این مسأله سود جستند و هر جا که به آنها انتقادی وارد می شد، یا وارد می شود می گویند فقط گاتا از گفته های پیغمبر و زرتشت است و هر چیزی که در گاتا نباشد، از اوستا و تمالیم و شرایع زردشت نمی باشد!

حال ملاحظه می شود که کار تحریف راحتی به تکذیب می کشانند. در حالی که سنن و مدارک قدیم زرتشتی، از قرن سوم، نشان می دهد که معنی جامع اوستا، شامل همه اوستای موجود می شود به علاوه قسمتی که یا بعداً از میان رفته و یا بنا بر علی دیگر در مباحث آینده بنا بر مدارک محکم، نشان خواهیم داد که همه اوستای موجود، مخصوصاً قسمت و نندیداد، کامل و دست نخورده و مورد اعتماد است و مستندات ما بر پایه نوشته ها و آثار مکتوب علمای زرتشتی در قرون اولیه اسلامی است.

باری ما نخست در کیش زردشتی، از خداشناسی آغاز می کنیم. همه موارد را با ذکر جمله ها و ترجمه صحیح نقل می کنیم که جایی برای خدشه نباشد. نخست در باره موجودیت **اهورا مزدا** بحث می شود. چون در اوستا هر موضوع به کرات و دفعات یاد شده، و بنا بر ضرب المثل دشت نمونه خروار است، یکی دو مورد در هر موضوع برای دوری از اطاله کلام، بیشتر آورده نمی شود. (بقیه دارد)

در این زمینه هم شایمات بسیاری پراکندند که خاورشناسان اروپایی مفرض و بی سواد و دشمن ایران و سابقه فرهنگی ایران بوده و نوشته های شان عاری از حقیقت است!

* * *

و جداً که کار تحریف آنان، به تکذیب اوستا رسید. اوستای کنونی به پنج قسمت تقسیم می شود:

۱ - **یسنه Yasna** سرودهای ستایش دین که در بردارنده موضوعات گوناگون و مختلفی می شود در هفتاد و دو فصل.

۲ - **یشت Yasht** میان بیست و بیست و دو سرود است درباره ایزدان یا فرشتگان و یا بهتر گفته شود خدایان غیر از اهورا مزدا!

۳ - **ویسپه رد Visparad** شامل بیست و چهار فصل است. کتابی مستقل نیست و درباره ایزدان و فرشتگان آیین زرتشتی، از سایر قسمت های اوستا جمع و تدوین شده.

۴ - **و نندیداد Vandidad** یا تلفظ صحیح آن **Vidivdat** این بی خدشه ترین و سالم ترین قسمت اوستا است که باقی مانده و محتوای آن شامل بیست و دو فصل است درباره فقه و شرایع و طهارت در آیین زرتشتی.

۵ - **خرده اوستا** یا اوستای کوچک که کتاب ادعیه و اذکار زردشتیان می باشد.

* * *

و یسنه، شامل هفتاد و دو فصل می شود. هفده فصل از این هفتاد و دو فصل از لحاظ زبان و مسائل و مفاهیم مندرجه و سنت متمایز از سایر فصول است و